

# مروری بر تجربیات برخی کشورها در ارزیابی محیط کسب و کار

کد موضوعی: ۳۲۰

شماره مسلسل: ۱۱۰۸۲

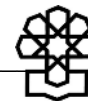
مهرماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات محیط کسب و کار

## به نام خدا

### فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
۱. تجربیات ارزیابی محیط کسب و کار در ایالات متحده آمریکا	۲
۲. تجربیات ارزیابی محیط کسب و کار در آلمان	۵
۳. تجربیات ارزیابی محیط کسب و کار در چین	۹
۴. تجربیات ارزیابی محیط کسب و کار در هند	۱۵
۵. تجربیات ارزیابی محیط کسب و کار در آفریقا	۱۸
۶. تحلیل و مقایسه مطالعات محیط کسب و کار در کشورهای مورد بررسی	۲۰
جمع بندی، نتایج و پیشنهادها	۲۳
منابع و مأخذ	۲۵



## مروری بر تجربیات برخی کشورها در ارزیابی محیط کسب و کار

### چکیده

هدف از تحقیق حاضر انتقال تجربیات طراحی و ارزیابی محیط کسب و کار سایر کشورها به سیاستگذاران و تصمیم‌سازان ایرانی است. به این منظور تجربیات ارزیابی محیط کسب و کار در کشورهای ایالات متحده آمریکا، آلمان، چین، هند و گروهی از کشورهای آفریقایی بررسی و ارائه شده است. هر یک از این تجربیات و مطالعات حاوی نکات ارزنده‌ای در رابطه با ارزیابی و اصلاح محیط کسب و کار هستند که از آنها به فراخور شرایط کشور می‌توان بهره گرفت. نتایج بررسی، نشان‌دهنده لزوم استمرار مطالعات محیط کسب و کار در طی زمان، ایجاد پایگاه داده‌های آماری و بومی‌گرایی در مطالعات این حوزه است.

### مقدمه

امروزه بهبود محیط کسب و کار یکی از مهمترین راهبردهای توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. در کشور ما رفع موانع رشد بخش خصوصی همواره مورد بحث کارشناسان و سیاستگذاران بوده و در برنامه پنجم توسعه بر تسهیل مقررات، ایجاد و گسترش زیرساخت‌ها و رفع مخاطرات محیط کسب و کار تأکید ویژه‌ای شده است. منظور از محیط کسب و کار مجموعه‌ای از عوامل محیطی هستند که بر بازدهی تولید و سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارند، اما به‌طور مستقیم از جانب بنگاه‌ها قابل کنترل نیستند. غالباً در مطالعات مختلف اصطلاحات محیط کسب و کار<sup>۱</sup> و فضای سرمایه‌گذاری<sup>۲</sup> مترادف یکدیگر به کار می‌روند.

برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مطلوب برای ارتقای محیط کسب و کار کشور، نیازمند سنجش و ارزیابی محیط کسب و کار است. مطالعه تجربیات سایر کشورها در این زمینه می‌تواند در طراحی روش‌های بهینه ارزیابی محیط کسب و کار کشورمان راهگشا باشد. در این گزارش با مرور مطالعاتی در کشورهای آمریکا، آلمان، چین، هند و تعدادی از کشورهای آفریقایی به بررسی و مقایسه مسائلی چون مؤلفه‌های ملی محیط کسب و کار کشورها، روش‌های ارزیابی محیط کسب و کار و نتایج و دستاوردهای مطالعات مربوط می‌پردازیم.

## ۱. تجربیات ارزیابی محیط کسب‌وکار در ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا پیشینه نسبتاً طولانی در مطالعات محیط کسب‌وکار دارد. چندین شرکت، رتبه‌بندی‌های سالیانه محیط کسب‌وکار این کشور را تولید می‌کنند. این رتبه‌بندی‌ها امکان مقایسه کیفیت محیط کسب‌وکار هر ایالت با سایر ایالات و گذشته خود ایالات را فراهم کرده و پوشش رسانه‌ای گسترده‌ای دارند. گزارش‌ها و تحلیل‌های محیط کسب‌وکار ایالات از یک‌سو مورد توجه فعالان اقتصادی و مدیران کسب‌وکارهاست و از سوی دیگر به جلب نظر سیاستمداران و نهادهای قانونگذار و بهبود سیاستگذاری‌ها منجر می‌شوند.<sup>۱</sup>

رشد تولید اقتصادی یک ایالت انگیزه‌ای را در سیاستمداران برای افزایش مالیات بر بنگاه‌های اقتصادی ایجاد می‌کند تا از این طریق بتوانند سطح و کیفیت کالاها و خدمات عمومی را ارتقا دهند. در این شرایط شاخص‌ها و رتبه‌بندی‌ها از نظر نهاد قانونگذار، نقش یک علامت هشدار را برای درک کاهش سطح رقابت‌مندی ایالت ایفا می‌کند. اگر هزینه‌های وضع شده بر بنگاه‌ها در یک ایالت بیش از سایر ایالات باشد، بنگاه‌ها در مکانی دیگر استقرار یا گسترش می‌یابند و این مسئله کاهش سطح و نرخ رشد اقتصادی ایالت را به دنبال خواهد داشت. لذا وضع هزینه‌ها بر بنگاه‌ها در قالب انواع مالیات‌ها و مقررات باید با منافع آنان در تعادل بوده و با نگاهی به آنچه در سایر مکان‌ها انجام می‌شود، صورت گیرد.

دو بنگاه خصوصی پیشگام در حوزه رتبه‌بندی محیط کسب‌وکار ایالات متحده، بنگاه‌های مشورتی «فانتوس»<sup>۲</sup> و «گرنٹ ثورنتون»<sup>۳</sup> هستند. این دو بنگاه در ابتدا رویکردی را پایه‌گذاری کردند که جذابیت برای کسب‌وکار را در شاخص ترکیبی خلاصه می‌کرد. فانتوس اولین مطالعه‌اش را در سال ۱۹۷۵ برای انجمن تولیدکنندگان ایلینوی منتشر کرد و به این ترتیب گرایش به سمت تولید در بسیاری از رتبه‌بندی‌های محیط کسب‌وکار تا مدت‌ها باقی ماند. رتبه‌بندی فانتوس شامل ۱۵ متغیر است که مالیات‌های محلی و ایالتی، بیکاری و بیمه جبرانی کارگران، دستمزدها، بدهی‌های عمومی و سیاست‌های نیروی کار را شامل می‌شود (۱۰ متغیر معیارهای مالیاتی هستند).<sup>۴</sup>

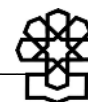
در ۱۹۷۹ گرنٹ ثورنتون شاخصی با متغیرهای بیشتر و نحوه وزن‌دهی متفاوت تولید کرد، اگرچه سیاست‌های مالیاتی و هزینه‌های اشتغال هنوز در فهرست عوامل تشکیل‌دهنده شاخص مسلط بودند. در سال ۱۹۸۷ شرکت توسعه کارآفرینی (CED)، تهیه گزارش سالیانه برای ایالات را

1. Michael Dardia & Sherman Luk, 1999, p. 1.

2. Fantus

3. Thornton Grant

4. Michael Dardia & Sherman Luk, 1999, pp. 12 & 13.



آغاز کرد. به مرور زمان و با گسترش بخش خدمات، در تدوین شاخص‌ها به این بخش توجه بیشتری شده است. در جدول ۱ فهرست عوامل، گروه‌های اصلی و وزن‌های شاخص‌ها قید شده است. علاوه بر ارزیابی‌های بنگاه‌های خصوصی که به نمونه‌هایی از آنها اشاره شد نهادهای دولتی مانند آژانس تجارت و بازرگانی ایالتی نیز گزارش‌هایی در رابطه با رقابت‌پذیری ایالات و مشکلات محیط کسب‌وکار ارائه می‌دهند.<sup>۱</sup>

جدول ۱. شاخص‌های محیط کسب‌وکار آمریکا

وزن	عوامل	گروه
Grant Thornton (G)		
۲۱	نرخ مالیات، تغییر در مالیات‌ها، بدهی عمومی ایالت	سیاست‌های مالی
۱۹	بیمه جبرانی و بیکاری کارگران	مقررات اشتغال
۲۳	دستمزد تولید، اتحادیه‌ها	هزینه‌های نیروی کار
۲۲	تحصیلات، بهره‌وری	کیفیت نیروی کار
۱۶	هزینه‌های صنایع همگانی (مثل برق و تلفن) تراکم جمعیت	سایر هزینه‌ها
CED		
شاخص عملکرد		
۲۰	رشد شغل، بیکاری	اشتغال
۲۰	میانگین درآمد و رشد آن	درآمد
۲۰	درصد فقرا، دستمزدهای تولید	کیفیت شغل
۲۰	نابرابری درآمدی، حمایت خانوارها	برابری
۲۰	امید به زندگی، مرگ‌ومیر نوزادان	کیفیت زندگی
شاخص اساسی کسب‌وکار		
۵۰	سهم صادرات از تولید، سرمایه‌گذاری جدید	رقابتی بودن بنگاه
۵۰	رشد بنگاه جدید، سهم خوداشتغالی	کارآفرینی
شاخص ظرفیت		
۵۰	درصد تحصیلکردگان دانشگاهی، مخارج مدرسه، مخارج تحقیق و توسعه	منابع انسانی
۲۵	سپرده‌های بانکی، بنگاه‌های با سرمایه مخاطره‌آمیز در ایالت	منابع مالی
۱۵	جاده، فاضلاب، فرودگاه	زیرساخت
۱۰	پزشکان، مخارج هنری	امکانات رفاهی

Source: Michael Dardia & Sherman Luk, 1999, p. 14.

داردیا و لاک<sup>۲</sup> کارشناسان مؤسسه سیاست عمومی کالیفرنیا در گزارشی با عنوان «بازنگری محیط کسب‌وکار کالیفرنیا» ضمن اشاره به تأثیرات شاخص‌ها بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ایالات، انتقاداتی را در رابطه با رتبه‌بندی‌ها مطرح کرده‌اند. به عنوان نمونه رکود ابتدای دهه ۱۹۹۰

1. Ibid, pp. 12-14.

2. Dardia And Luk, 1999.

سبب کاهش شدید رتبه ایالت کالیفرنیا در شاخص‌های محیط کسب‌وکار شد. این مسئله نگرانی عمومی شدیدی را به دنبال داشت و بحث‌های سیاسی را در میان تحلیلگران برانگیخت تا آنجا که موجب چندین اصلاح مهم در محیط کسب‌وکار کالیفرنیا شد. دولت ایالتی گروه‌های ویژه‌ای را تجهیز کرد تا پاسخگوی سریع مشکلات بنگاه‌هایی باشند که می‌خواستند در مکانی دیگر مستقر شوند و یا گسترش یابند. قوانین مالیاتی اصلاح شدند. مالیات بر فروش مواد اولیه و تجهیزات کاهش یافت و دیگر نرخ‌های مالیات با سایر ایالات سازگار شدند. نظام تأمین اجتماعی کارگران اصلاح شد و اعتبار مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه بنگاه‌های دائمی شد، زیرا بنگاه‌هایی با تکنولوژی بالا نقش مهمی در اقتصاد ایالت ایفا می‌کردند.<sup>۱</sup>

اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که شاخص‌ها به دلیل کلی‌نگری تصویر ناقصی از محیط کسب‌وکار ایالات ارائه می‌دهند. عوامل مؤثر بر محیط کسب‌وکار در بین صنایع و مناطق مختلف درون هر ایالت متغیر هستند. عواملی چون دستمزدها از کل هزینه‌ها، تحصیلات نیروی کار، بار مالیاتی، هزینه‌های مربوط به مقررات زیست‌محیطی و... به‌طور گسترده‌ای در میان صنایع متفاوتند. همچنین شرایط برای بنگاه‌های درون شهرها و آنهایی که در خارج از شهرها قرار دارند یکسان نیست.

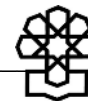
مصاحبه‌های به‌عمل آمده با مدیران کسب‌وکارها و تحقیقات اقتصادی در رابطه با تأثیر عوامل محیط کسب‌وکار بر رشد اقتصادی تفاوت‌ها را تأیید می‌کنند. به‌منظور هدفگذاری بهتر در سیاستگذاری باید شاخص‌های منطقه‌ای و بخشی نیز تدوین شوند مانند شاخص سالیانه «سیلیکان ولی»<sup>۲</sup> که ناظر بر محیط کسب‌وکار این منطقه خاص است. در این راستا می‌توان از گزارش‌های دوره‌ای مؤسساتی که شرایط اقتصادی مناطق و صنایع را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند کمک گرفت. اگرچه آزمون و بررسی محیط خرد وقت‌گیر و پرهزینه است، اما برای رفع مشکلات خاص ضروری است.<sup>۳</sup>

اگرچه رتبه‌بندی محیط کسب‌وکار به‌طور ذاتی جذاب است، ولی تصمیم‌گیری برای انتخاب عواملی که در رتبه‌بندی منظور می‌شوند و همچنین وزن هرکدام از عامل‌ها مشکلات زیادی دارد. لذا رتبه نسبی ایالات از منظر شاخص‌های مختلف، متفاوت است. به‌عنوان مثال در مقایسه دو شاخص جدول ۱ مشاهده می‌شود شاخص G به شدت بر هزینه‌های تولید متمرکز است، در حالی‌که شاخص CED بیشتر بر سیاست‌های اجتماعی به‌جای سیاست‌های کسب‌وکار تمرکز دارد. میانگین دستمزد

1. *Ibid*, p. 8.

2. Silicon Valley

3. *Ibid*, pp. 45-47.



بالتر بر  $G$  به صورت منفی اثر می‌گذارد، اما بر امتیاز  $CED$  تأثیر مثبت دارد. در شاخص ظرفیت  $CED$ ، منافع حاصل از درآمد مالیاتی جمع‌آوری شده مانند مدرسه‌ها، جاده‌ها، فرودگاه‌ها و فاضلاب‌ها، اعتبار ایالت را افزایش می‌دهد، اما در شاخص  $G$  مالیات‌ها تأثیر منفی بر کسب‌وکارها دارند. همچنین  $CED$  وجود نیروی کار تحصیل‌کرده و مولد را امتیاز مثبتی برای ایالت محسوب می‌کند. ممکن است مدیران کسب‌وکار برای مقولات اجتماعی نیز ارزش قائل باشند، اما مسئولیت اولیه آنان افزایش یا ابقای سود است. بنابراین شاخص  $G$  به دلیل ارزیابی هزینه‌های کسب‌وکار از نظر فعالان اقتصادی ملاک مفیدتری محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> در برخی موارد آزمون‌ها نشان می‌دهد رتبه‌بندی ایالات و عملکرد اقتصادی آنها، به‌ویژه رشد اقتصادی، با همدیگر همبستگی ندارند؛ یا برخی از عوامل سازنده شاخص در پیش‌بینی رشد آینده ایالت بهتر از شاخص ترکیبی عمل کرده‌اند. بنابراین با وجود اینکه انتخاب عوامل و وزن‌ها براساس مطالعات اقتصادی صورت می‌گیرد، اما هنوز درخصوص اهمیت متغیرها اجماع وجود ندارد. لذا مطالعات اقتصادی دقیق‌تری در این رابطه باید انجام شود.<sup>۲</sup>

## ۲. تجربیات ارزیابی محیط کسب‌وکار در آلمان

پس از اتحاد آلمان شرقی و غربی در سال ۱۹۹۰ تحول نظام اقتصادی آلمان شرقی از برنامه‌ریزی مرکزی به اقتصاد بازار آغاز شد. در آن دوره شهرهای آلمان شرقی با چالش دوگانه‌ای مواجه بودند. آنها باید از یک‌سو مشکلات دوره گذار را حل و نهادهای لازم را تأسیس می‌کردند و از طرف دیگر همانند آلمان غربی با فشار رو به افزایش رقابت منطقه‌ای در اقتصاد جهانی مواجه بودند. به عبارت دیگر علیرغم محدودیت‌های بودجه‌ای سخت، بیکاری زیاد، بحران‌های اجتماعی رو به افزایش و تقاضای فزاینده برای توسعه قابل قبول در شرایط رقابت منطقه‌ای و جهانی باید بنیان‌های اقتصادی خود را حفظ کرده و گسترش می‌دادند.<sup>۳</sup>

در این شرایط آژانس‌هایی با هدف بهبود محیط کسب‌وکار محلی در شهرهای مختلف آلمان شرقی تأسیس شدند. در کنار توافق بر روی این گزاره که محیط کسب‌وکار مطلوب عامل کلیدی توسعه اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی است، بحث و اختلاف‌نظرهای فراوانی در رابطه با نوع سیاست‌های اقتصادی که می‌تواند محیط کسب‌وکار را ارتقا دهد مشاهده می‌شد. برای مثال برخی کارشناسان، اجرای بازاریابی شهری را عامل موفقیت می‌دانستند، برخی بر نیاز بیشتر

1. *Ibid*, pp. 12 & 13.

2. *Ibid*, p. 16.

3. Lorenz Blume, 2006, P. 330.

به همکاری شهرهای مجاور تأکید می‌کردند و یا از نظر برخی دیگر الگوهای مدیریت عمومی جدید می‌توانست سبب ارتقای محیط کسب‌وکار شود. لذا در کنار بحث‌های نظری نیاز به مطالعات تجربی احساس می‌شد. به دلیل مشکلات زیاد آمارهای رسمی در سطح شهری و هزینه زیاد پیمایش‌هایی که فراتر از مطالعات موردی باشد، امکان ارزیابی سیاست‌ها وجود نداشت و تنها فهرست اقدامات انجام شده در سطح محلی اعلام می‌شد؛ بدون اینکه تأثیر سیاست‌ها ارزیابی شود.<sup>۱</sup>

داده‌های آماری گردآوری شده توسط یک مؤسسه تحقیقات اقتصادی آلمانی (DIW) با همکاری دانشگاه کاسل،<sup>۲</sup> فرصت آغاز مطالعات تجربی را ایجاد کرد. لورنز بلوم<sup>۳</sup> در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های اقتصادی محلی به مثابه عوامل تعیین‌کننده محیط کسب‌وکار محلی» به ارزیابی تأثیر سیاست‌های اقتصادی در راستای بهبود محیط کسب‌وکار در آلمان شرقی و در دوره گذار پرداخته است. در مجموع ۹۲ شهر با جمعیت بالای ۲۰,۰۰۰ نفر انتخاب شدند. برای مطالعه دو مجموعه داده در نظر گرفته شده‌اند. مجموعه داده اول مربوط به متغیرهای سیاستی است. علاوه بر آمارهای رسمی (نرخ مالیات، سرمایه‌گذاری دولتی، مخارج صرف شده برای فرهنگ و هنر و...)، از مجموعه داده گسترده‌ای که در سال ۲۰۰۰ در مطالعه پرسشنامه‌ای توسط مؤسسه DIW گردآوری شده بود، استفاده شده است. پرسشنامه‌ها شامل سؤالات کمی و کیفی و نرخ پاسخگویی ۸۴ درصد بوده است. نتایج بررسی با آمارهای رسمی تلفیق شده و ۸۸ شاخص که هم الگوهای سنتی و هم الگوهای مدرن (الگوهای حرکت به سمت رقابت) را دربر می‌گیرند به دست آمده است.<sup>۴</sup>

مجموعه داده دوم برای ساخت شاخصی از کیفیت محیط کسب‌وکار محلی مورد استفاده قرار گرفته است. در بررسی دوم از شرکت‌های فعال در هر شهر خواسته شده تا موفقیت شهرها را نسبت به ایجاد محیط کسب‌وکار مساعد، به صورت بد، مناسب و خوب ارزیابی کنند. سپس از پاسخ شرکت‌ها در هر شهر میانگین گرفته شده و شهرها براساس میانگین رتبه‌بندی شده‌اند. در نهایت تأثیر مجموعه داده اول یعنی سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار بر شاخص حاصل از مجموعه داده دوم یا کیفیت محیط کسب‌وکار محلی در قالب مدل رگرسیونی بررسی شده است. به دلیل همبستگی بالای متغیرهای سیاستی و به منظور اجتناب از بروز مشکل هم‌خطی در رگرسیون با کمک تحلیل عاملی تعداد متغیرها به ۲۹ عاملی که در مجموع ۸۲ درصد از پراکندگی متغیرهای اولیه را توضیح می‌دهند کاهش یافته است (جدول ۲). از میان ۲۹ عاملی که وارد مدل رگرسیونی حداقل مربعات معمولی شده‌اند، ۹ عامل تأثیر معنی‌داری بر محیط کسب‌وکار دارند.<sup>۵</sup>

1. *Ibid*, p. 322.

2. Kassel

3. Lorenz Blume

4. *Ibid*, p. 324.

5. *Ibid*, pp. 324-327.





## جدول ۲. سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار در آلمان شرقی

عامل	متغیر	ویژگی‌های متغیر
۱	مخارج تبلیغات	سرانه یورو (میانگین سالیانه)
۲	زمین صنعتی در دسترس	هکتار به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ شهروند
۳	اهمیت همکاری با سایر شهرها	{۰، ۴}، بی‌اهمیت، ۴ = بسیار مهم
۴	مخارج برای هنر و فرهنگ	سرانه یورو (میانگین سالیانه)
۵	بدهی کل هر شهر	سرانه یورو (میانگین سالیانه)
۶	اهمیت همفکری و مشورت کسب‌وکارها	{۰، ۴}، بی‌اهمیت، ۴ = بسیار مهم
۷	زمان اخذ مجوز ساختمان جدید	۱=۱ تا ۶ ماه، ۲=۶ تا ۱۲ ماه، ۳=۱ سال یا بیشتر
۸	محیط همکاری در اجرا	{۰، ۱، ۵}، ۱ = بسیار خوب، ۵ = ناکافی
۹	منابع در جذب شرکت‌های جدید	درصد سهم
۱۰	تعداد کارکنان در آژانس‌های ترویج تجارت و صنعت	تمام وقت به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ شهروند
۱۱	فرم سازمانی آژانس‌های ترویج تجارت و صنعت	{۰، ۱} مجازی، ۱ = خصوصی، ۰ = عمومی
۱۲	پایگاه جذب داده‌ها در رابطه با شرکت‌های محلی	{۰، ۱} مجازی، ۱ = بله، ۰ = نه
۱۳	مالیات جمع‌آوری شده	سرانه یورو (میانگین سالیانه)
۱۴	اهمیت یارانه‌های محلی	{۰، ۴}، بی‌اهمیت، ۴ = بسیار مهم
۱۵	هزینه‌های زیرساخت‌های مرتبط با کسب‌وکار	سرانه یورو (میانگین سالیانه)
۱۶	اهمیت همکاری عمومی - خصوصی	{۰، ۴}، بی‌اهمیت، ۴ = بسیار مهم
۱۷	اهمیت ارتقای نوآوری‌ها	{۰، ۴}، بی‌اهمیت، ۴ = بسیار مهم
۱۸	سیستم حمل‌ونقل عمومی	{۰، ۱} مجازی، ۱ = خصوصی، ۰ = نه کاملاً خصوصی
۱۹	وجود یک سیستم اطلاعات الکترونیکی	{۰، ۱} مجازی، ۱ = بله، ۰ = نه
۲۰	اهمیت مدیریت عمومی جدید	{۰، ۴}، بی‌اهمیت، ۴ = بسیار مهم
۲۱	تأمین‌کننده برق محلی	{۰، ۱} مجازی، ۱ = خصوصی، ۰ = نه کاملاً خصوصی
۲۲	جلسات ماهیانه همفکری	تعداد به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ شهروند
۲۳	منابعی که به شرکت‌های تازه‌وارد اختصاص داده می‌شود	درصد سهم
۲۴	مخارج برای کیفیت	سرانه یورو (میانگین سالیانه)
۲۵	جمع‌آوری یارانه‌های محلی	سرانه یورو (میانگین سالیانه)
۲۶	اهمیت مدیریت دارایی حقیقی	{۰، ۴}، بی‌اهمیت، ۴ = بسیار مهم
۲۷	محیط همکاری با سایر نهادها	{۰، ۱، ۵}، ۱ = بسیار خوب، ۵ = ناکافی
۲۸	جذب گروهی کسب‌وکارها	{۰، ۱} مجازی، ۱ = بله، ۰ = نه

Source: Lorenz Blume, 2006, p. 328.

عوامل زیر تأثیر مثبت بر کیفیت محیط کسب‌وکار محلی داشته‌اند:<sup>۱</sup>

- عامل شماره ۶ که نشان‌دهنده ایجاد محیط همفکری و ارائه مشورت به کسب‌وکارهاست،

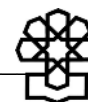
- عامل شماره ۷ یا کوتاه بودن زمان اخذ مجوز،

- عامل شماره ۱۶ که وجود همکاری بین نهادهای دولتی و شرکت‌های خصوصی را نشان می‌دهد،

1. Ibid, pp. 328-329.

- عامل شماره ۲۰ یا وجود محیط خوب همکاری میان بخش‌های دولتی در هر شهر،
  - عامل شماره ۲۹ یا درجه نوآوری آژانس‌ها در به‌کارگیری ابزارهای جدید مانند ایجاد پارک‌های علمی،
  - در مقابل عوامل زیر موجب تضعیف محیط کسب‌وکار شده‌اند:
  - عامل شماره ۴ یا مخارج فرهنگ و هنر که به‌عنوان شاخص تراکم جمعیت وارد مدل شده است،
  - عامل شماره ۱۴ یا استفاده از ابزار یارانه برای تشویق کسب‌وکارها،
  - عامل شماره ۸ که نشان‌دهنده محیط همکاری میان متولیان بهبود محیط کسب‌وکار و سایر نهادهای منطقه‌ای در اجرای سیاست‌هاست،
  - عامل شماره ۲۶ یا مدیریت دارایی‌های حقیقی که قیمت زمین صنعتی به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری آن در نظر گرفته شده است.
- بنابراین نتایج حاصل از مطالعه به این شرح هستند:<sup>۱</sup>
- برخلاف فرضیه‌های نظری اولیه، سیاست‌های اقتصادی موفق، تنها سیاست‌های مبتنی بر رقابت نیستند، بلکه سیاست‌های اقتصادی موفق ترکیبی از اولاً ابزارهای سنتی (مخارج و خدمات ارائه شده توسط بخش عمومی) مانند: مشورت به کسب‌وکارها، کوتاه بودن فرآیند اخذ مجوز، سیاست‌های مالکیت حقیقی (کنترل قیمت زمین صنعتی)، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و خدمات مدیریتی و ثانیاً فعالیت‌های مدرن مانند: مشارکت خصوصی دولتی، اجرای شیوه‌های مدیریت عمومی جدید و بازاریابی منطقه‌ای هستند.
  - نکته جالب توجه این است که دو استراتژی که به‌عنوان اساس سیاست‌های مدرن به شهرها توصیه می‌شدند، یعنی خصوصی‌سازی خدمات عمومی و جذب خوشه‌ای کسب‌وکارها در میان سیاست‌های موفق نیستند. نتایج نشان می‌دهد مشارکت بخش خصوصی به شکل مشارکت خصوصی - عمومی مناسب‌تر به نظر می‌رسد. به همین ترتیب، سیاست جذب کسب‌وکارهای جدید نباید گرایش به سمت بخش‌های خاصی از اقتصاد داشته باشد.
  - دو استراتژی که تأثیر منفی بر محیط کسب‌وکار داشته‌اند باید کنار گذاشته شوند. اعطای یارانه‌ها به شرکت‌های خصوصی به‌صورت گزینشی که سبب ایجاد رقابت منفی میان کسب‌وکارها می‌شود و مخارج اضافی بر روی زیرساخت‌های دارای گرایش به سمت خانوار (فرهنگ، هنر و رفاه اجتماعی)، باید حذف شوند. در مقابل سهم سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌های مورد نیاز کسب‌وکارها افزایش می‌یابد.

1. Ibid, pp. 330-331.



- مطالعه در رابطه با شکل سازمانی ترویج‌کنندگان تجارت و صنعت در شهرها که همواره مورد بحث بوده، به نتیجه نرسیده است.

### ۳. تجربیات ارزیابی محیط کسب‌وکار در چین

حرکت چین به سمت اقتصاد سوسیالیستی مبتنی بر بازار پس از اصلاحات سال ۱۹۷۹ آغاز شد. رشد چشمگیر اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۹۰ توجه بسیاری از کارشناسان را به مقوله محیط کسب‌وکار و تأثیر آن بر رشد اقتصادی جلب کرد. مطالعه بانک جهانی با عنوان «بهبود رقابت‌پذیری شهری از طریق محیط سرمایه‌گذاری، رتبه‌بندی ۲۳ شهر چین» در سال ۲۰۰۳ نشان داد آسانی ورود و خروج کسب‌وکارهای بومی، موجودی مهارت و تکنولوژی، انعطاف‌پذیری نیروی کار، دسترسی به منابع مالی، مشارکت بخش خصوصی و کارآیی دادگاه‌ها عوامل اصلی مؤثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار هستند.<sup>۱</sup>

با اجرای اصلاحات اقتصادی، نظام اقتصادی چین تا حد زیادی غیرمتمرکز شده و اجرای سیاست‌ها بیشتر تحت نظارت حکومت‌های ایالتی صورت می‌گیرد، بنابراین رشد و توسعه متوازن اهمیت پیدا می‌کند. آمارها نشان می‌دهد قدرت بازاری و سرمایه‌گذاری در چین به‌طور گسترده‌ای متغیر است. به‌طور مثال GDP سرانه در چین جنوبی به‌طور متوسط ۵۰ درصد بیشتر از چین شمالی و ۱۵۰ درصد بیشتر از میانگین بخش مرکزی و جنوب غربی در سال ۲۰۰۴ بوده و یا سرانه FDI در استان‌های جنوبی ۱۳۰ درصد بیشتر از چین شمالی، بیش از ۷ برابر میانگین بخش مرکزی و بیش از ۲۵ برابر چین غربی در همان سال بوده است. این گوناگونی اهمیت محیط کسب‌وکار برای توسعه اقتصادی چین را نشان می‌دهد. فراهم کردن زمینه مناسب برای جذب FDI و افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی موجب رشد و توسعه مناطق عقب‌مانده می‌شود.<sup>۲</sup>

مطالعه گسترده‌تری توسط کارشناسان بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ با عنوان «چین، حکمرانی، محیط سرمایه‌گذاری و جامعه هماهنگ؛ افزایش رقابت‌پذیری ۱۲۰ شهر چین» انجام شد. در این مطالعه، برخی از محدودیت‌های بررسی قبلی اصلاح و برطرف شد؛ مانند نبود برخی شهرها و استان‌های مهم در مطالعه، در نظر نگرفتن ویژگی‌های شهری، اندازه بازار، هزینه‌های حمل‌ونقل، کم‌توجهی به ارتباط میان محیط سرمایه‌گذاری و مواردی چون زیرساخت‌های شهری، کیفیت زندگی و مزایای اجتماعی سازگار با پیشرفت به سمت جامعه هماهنگ.

۱. نتایج از بررسی ۱۵۰۰ بنگاه در پنج شهر در سال ۲۰۰۱ و ۲۴۰۰ بنگاه در ۱۸ شهر دیگر که در سال ۲۰۰۲ به نمونه قبلی اضافه شده بودند به دست آمده است.

2. World Bank, 2006, P. 1.

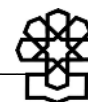
۱۲۰ شهر مهم چین که در حدود ۷۰ الی ۸۰ درصد GDP چین را دارا هستند، انتخاب شدند. علاوه بر جمع‌آوری داده‌ها در سطح شهری، داده‌ها در سطح خرد نیز جمع‌آوری شده‌اند. کلیه داده‌ها از اداره ملی آمار چین به دست آمده و به طور مستقل برای این مطالعه گردآوری نشده است. در هر شهر ۱۰۰ بنگاه و در ۴ شهر بسیار بزرگ ۲۰۰ بنگاه و در مجموع ۱۲۴۰۰ بنگاه در نظر گرفته شدند. تمامی بنگاه‌ها از بخش صنعت با حداقل ۱۰ نفر کارگر هستند. اطلاعات به تفکیک نوع مالکیت بنگاه (دولتی، خارجی، بومی غیردولتی)، نوع صنعت (۳۱ صنعت) و اندازه بنگاه (بزرگ، کوچک و متوسط) دسته‌بندی شده است.<sup>۱</sup>

این مطالعه متمرکز به بررسی رابطه میان عوامل مختلف محیط سرمایه‌گذاری با بهره‌وری کل عوامل تولید و مالکیت خارجی بنگاه‌ها شده است. این بررسی در قالب یک مدل رگرسیونی که متغیرهای وابسته بهره‌وری کل و مالکیت خارجی بنگاه و متغیرهای مستقل مدل شاخص‌های محیط سرمایه‌گذاری (جدول ۳) هستند انجام شده است. این متغیرها به منظور آسان‌تر شدن تفسیر نتایج، نرمال استاندارد شده‌اند. مجموعه‌ای متغیرهای کنترل متغیر مجازی مربوط به نوع صنعتی که بنگاه در آن فعالیت می‌کند، لگاریتم تعداد کارکنان بنگاه، لگاریتم جمعیت شهر، لگاریتم متوسط درآمد شهر و نوع مالکیت است. همچنین جدول ۳ ضریب شاخص‌های محیط سرمایه‌گذاری و سطح معنی‌داری آنها در رابطه با بهره‌وری و مالکیت خارجی بنگاه‌ها را نشان می‌دهد. علاوه بر آزمون اقتصادسنجی یاد شده، ۱۲۰ شهر چین براساس عوامل جدول ۳ رتبه‌بندی شده‌اند.<sup>۲</sup>

---

1. *Ibid*, pp. 2-4.

2. *Ibid*, pp. 95 & 96.



جدول ۳. شاخص‌های فضای سرمایه‌گذاری در چین

گروه	شاخص	بهره‌وری کل	مالکیت خارجی
قدرت بازار	GDP سرانه	***-/۰.۵۳	***-/۰.۱۳۹
	رشد GDP سرانه	**-/۰.۱۳	۰-/۰.۰۶
	طول جاده‌ها (کیلومتر)	***-/۰.۲۳	-۰-/۰.۰۲
	هزینه حمل‌ونقل	***-/۰.۲۱	***-/۰.۵۹
موجودی مهارت و تکنولوژی	شاخص IT: سهم کارگران با مهارت رسمی IT	-/۰.۰۰	***-/۰.۴۸
	سهم کارکنان با تحصیلات دانشگاهی	***-/۰.۱۰۷	***-/۰.۰۷۵
	سهم کارکنان با آموزش CEO <sup>۱</sup>	۰-/۰.۱۹	***-/۰.۰۸۴
انعطاف‌پذیری نیروی کار			
کارآیی دولت	بار مالیاتی مؤثر بنگاه‌ها (کل مالیات‌ها و پرداخت‌ها از ارزش‌افزوده)	***-/۰.۵۸	***-/۰.۲۹
	سهم مخارج سفر و سرگرمی از کل درآمد فروش (جایگزین پرداخت‌های غیررسمی یا فساد) <sup>۲</sup>	***-/۰.۳۷	-۰-/۰.۰۱
	کارآیی گمرک (تعداد روزهایی که در گمرک برای صادرات - واردات صرف می‌شود)	-	***-/۰.۱۹۱
	هزینه بروکراسی (تعداد روزهایی که صرف پرداخت مالیات، حمایت زیست‌محیطی، حمایت اجتماعی و نیروی کار و... تقسیم بر تعداد روزهای سال)	**-/۰.۰۵	-۰-/۰.۱۵
	دسترسی به اعتبار (سهمی از بنگاه‌ها که وام بانکی به‌دست آورده‌اند)	***-/۰.۵۵	-
اجرای قرارداد (احساس در رابطه با حمایت از حقوق مالکیت)			
هماهنگی در جامعه	درصد روزهایی که شهر کیفیت هوای خوبی دارد	۰-/۰.۰۹	۰-/۰.۶۱
	سهم دختران از کل دانش‌آموزان شهر	-/۰.۱۲	***-/۰.۲۸
	سهم کارگران دائمی با پوشش بیمه درمانی	۰-/۰.۱۵	***-/۰.۳۳

\* معنی‌داری در سطح ۱۰ درصد.

\*\* معنی‌داری در سطح ۵ درصد.

\*\*\* معنی‌داری در سطح ۱ درصد.

بنابراین به‌منظور بهبود در بهره‌وری بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی اصلاحاتی بدین شرح

پیشنهاد شده‌اند:

### ۳-۱. سیاست‌های بهبود در کارآیی دولت<sup>۳</sup>

- ساده‌سازی بیشتر فرآیند کسب مجوز و سایر فرآیندهای مرتبط با شروع کسب‌وکار،

#### 1. Chief Executive Officer

۲. فرض شده است بنگاه‌ها پرداخت‌های غیررسمی را در ردیف مخارج سفر و سرگرمی خود می‌آورند تا فساد آنها آشکار نشود و بنابراین به پرسش‌های مستقیم در رابطه با پرداخت‌های غیررسمی پاسخ نمی‌دهند.

۳. این قسمت برگرفته از منبع زیر است:

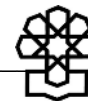
- شفافیت و سادگی بیشتر موافقتنامه‌های استفاده از زمین شهری،
- حذف مزیت‌های مالیاتی، مثلاً برای سرمایه‌گذاران خارجی،
- استفاده از بهترین فرایند ترخیص کالا از گمرک،
- ارتقای انعطاف‌پذیری نیروی کار با بهبود حمایت‌های کارگری و ساده‌سازی قوانین کار،
- کامل کردن انتقال مالکیت بنگاه‌های کوچک و متوسط دولتی، آنهایی که قابلیت رشد و ترقی دارند و به تعلیق درآوردن بنگاه‌هایی که دوام نمی‌آورند و نیز بهبود حکمرانی در بنگاه‌های بزرگ مقیاس
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در بانک‌های محلی،
- فراهم کردن حمایت تنظیمی و قانونی بیشتر برای وام‌دهندگان و آسان‌تر کردن استفاده از سایر
- دارایی‌ها علاوه بر وثیقه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط،
- تشویق استفاده گسترده‌تر بانک‌های محلی از بهترین تجربیات بین‌المللی در رابطه با وام‌دهی به بنگاه‌های کوچک و متوسط.

### ۲-۳. سیاست‌های دستیابی به جامعه هماهنگ

- بهبود در تسهیلات و آموزش‌های تکنیکی، مراقبت‌های بهداشتی و ارتقای کیفیت زیست‌محیطی.

### ۳-۳. سیاست‌های مرتبط با ویژگی‌های شهری

- حمایت از ادامه مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر (شهرهای با جمعیت بیشتر به دلیل مزیت رقابتی و تراکم بیشتر، بهره‌وری بالاتری دارند)،
- بهبود در زیرساخت‌های فیزیکی و خدمات شهری،
- کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل به ویژه در بنادر،
- با اینکه امکان مقایسه این مطالعه با مطالعه قبلی محدود است، اما به نظر می‌رسد مشکلات حمل‌ونقل نسبت به سال‌های ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ به‌ویژه در چین جنوبی افزایش یافته است. همچنین پرداخت‌های غیررسمی بنگاه‌ها نسبت به فروش کاهش و مالیات‌ها نسبت به فروش در بسیاری از شهرها افزایش یافته است. لذا به‌منظور پیگیری پیشرفت و یا بدتر شدن در طی زمان و نیز تشویق دولت‌های محلی به پیگیری اصلاحات، پیشنهاد شده است این بررسی به‌طور منظم (برای مثال دو بار در سال) تکرار شود.
- مطالعه دیگری با هدف ارزیابی محیط سرمایه‌گذاری منطقه‌ای در چین مجموعه متفاوتی از شاخص‌های محیط سرمایه‌گذاری را در نظر گرفته است. داده‌ها همانند مطالعه قبلی از کتاب سال آماری چین در سال ۲۰۰۵ استخراج شده‌اند. طبقه‌بندی شاخص در



جدول ۴ آمده است. انتخاب عوامل با توجه به اهمیت آنها از دید محققان صورت گرفته است. به دلیل تفاوت در مقیاس، مقادیر شاخص‌ها نرمال استاندارد شده‌اند.<sup>۱</sup>

جدول ۴. شاخص‌های منطقه‌ای فضای سرمایه‌گذاری در چین

لایه اول	لایه دوم	لایه سوم	
محیط طبیعی	مکان	۱. مکان	
	منابع طبیعی	۲. سرانه زمین زیر کشت	
		۳. سرانه منابع آب	
	شرایط محیطی	۴. سرانه محیط سبز شهری	
		۵. حجم مواد صنعتی غیر قابل بازگشت	
زیرساخت‌ها	تسهیلات زندگی	۶. نرخ دفع فاضلاب صنعتی	
		۷. اتوبان و بزرگراه	
		۸. سرانه عرضه آب	
		۹. تعداد شرکت برق	
	حمل و نقل و ارتباطات	۱۰. سرانه عرصه ساختمان‌های مسکونی	
		۱۱. تعداد وسایل حمل و نقل عمومی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	
		۱۲. عبور و مرور سالیانه مسافر	
		۱۳. دادوستد سالیانه بار	
	پست و مخابرات	۱۴. سرانه جاده آسفالت شده	
		۱۵. حجم سرانه تجارت از طریق پست و مخابرات	
	فضای اقتصادی	قدرت اقتصادی	۱۶. تعداد مشترکین تلفن محلی به ازای هر ۱۰۰ نفر
۱۷. سرانه مخارج ترویج علم و تکنولوژی			
۱۸. نرخ رشد GDP سالیانه			
ساختار اقتصادی		۱۹. سرانه GDP	
		۲۰. سرانه سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت	
کارآیی اقتصادی		ساختار اقتصادی	۲۱. سهم صنایع ثانوی
			۲۲. سهم صنایع دسته سوم
	کارآیی اقتصادی	۲۳. دفعات بازگشت سرمایه در گردش سالیانه	
		۲۴. نسبت کل دارایی‌ها به ارزش ستانده صنعتی	
تعامل با اقتصاد خارجی	کارآیی اقتصادی	۲۵. نسبت سود به هزینه در صنعت	
		۲۶. سرمایه‌گذاری خارجی حقیقی	
	رشد بازار	۲۷. ارزش کل صادرات و واردات	
۲۸. درصد نیروی کار در بنگاه‌های خارجی			
رشد بازار	رشد بازار	۲۹. ارزش کل خرده‌فروشی کالاهای مصرفی	
		۳۰. سپرده پس‌انداز خانوار شهری و روستایی در پایان سال	
		۳۱. سرانه مخارج مصرفی سالیانه	

1. FAN De Cheng & PAN Xia, 2007, P. 1.

لایه سوم	لایه دوم	لایه اول
۳۲. نرخ شاغلین به کل جمعیت	شرایط اجتماعی	محیط اجتماعی
۳۳. میانگین دستمزد کارگران		
۳۴. سرانه درآمد قابل تصرف سالانه		
۳۵. درصد شاغلین در صنایع اولیه		
۳۶. مخارج تحقیق و توسعه کارآفرینان	علم و تکنولوژی	
۳۷. تعداد ثبت اختراع		
۳۸. مخارج سرانه هزینه‌های عملیاتی مراکز علمی و آموزشی		
۳۹. نسبت ارزش معاملات در بازار فنی به GDP		
۴۰. نسبت دانشجویان به هر ۱۰۰۰۰ نفر	عوامل سیاسی	فضای سیاسی*
۴۱. نسبت سرمایه‌گذاری خارجی واقعی به کل		
۴۲. نسبت ارزش صادرات و واردات به کل		
۴۳. نسبت سود کل بنگاه‌های دولتی بزرگ‌تر از اندازه رسمی به کل		

Source: FAN De Cheng & PAN Xia, 2007, p. 2.

\* این امر که در میزان سرمایه‌گذاری خارجی، صادرات و واردات و همچنین وضعیت سوءبنگاه‌های دولتی در قالب فضا و عوامل سیاسی بررسی شده است، به دلیل انحصار دولتی و در واقع عمق مداخله دولت در امور اقتصادی است.

داده‌ها در سطح استانی و برای ۳۱ استان گردآوری شده‌اند. با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی تعداد شاخص‌ها کاهش یافته و ۹ عامل جدید که در مجموع ۸۸ درصد اطلاعات را توضیح می‌دهند استخراج شده است. سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS، تحلیل خوشه‌ای روی نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی به‌کار رفته است. بدین ترتیب استان‌های چین به پنج دسته تقسیم شده هستند و نشان داده می‌شود که هر منطقه در کدام‌یک از ۹ عامل مذکور دارای قوت و در چه عاملی ضعف دارد. به‌عنوان مثال در دسته اول (شامل چهار استان که عموماً در مناطق ساحلی قرار دارند)، در عواملی که زیرساخت‌های نرم را منعکس می‌کنند (مانند کیفیت جمعیت و مقوله علم و تکنولوژی) رقابتی‌تر هستند؛ اما برخی عوامل زیرساخت‌های سخت (مانند امکانات زندگی، حمایت محیطی و تأسیسات ارتباطی و مخابرات) باید ارتقا یابند.<sup>۱</sup>

همچنین نتایج نشان می‌دهد محیط سرمایه‌گذاری چین شرقی به‌ترتیب بهتر از چین غربی و چین میانه است و یک رابطه نزدیک میان توسعه اقتصادی نامتوازن و محیط سرمایه‌گذاری منطقه‌ای وجود دارد. برای اندازه‌گیری این رابطه نیاز به مطالعات بیشتری است و با توجه به استفاده از تحلیل‌های آماری ممکن است نتایج چندان دقیق نباشد.<sup>۲</sup>

1. Ibid, pp. 1-4.

2. Ibid, pp. 4 & 5.





#### ۴. تجربیات ارزیابی محیط کسب‌وکار در هند

ایالات هند از نظر سطح توسعه‌یافتگی و رشد اقتصادی بسیار متفاوت هستند. یاروسی<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان «فضای سرمایه‌گذاری در ۱۶ ایالت هند» ویژگی‌هایی از محیط کسب‌وکار را که می‌توانند به توضیح عملکرد متفاوت ایالات هند در رابطه با سرمایه‌گذاری و رشد کمک کنند، مشخص نموده و ایالات را رتبه‌بندی می‌کند. بدین منظور شاخصی از فضای سرمایه‌گذاری (ICI)<sup>۲</sup> با توجه به حیطه گسترده‌ای از عوامل مورد نظر بنگاه‌ها در هنگام تصمیم برای سرمایه‌گذاری ساخته شده است. این شاخص شامل ۴۶ متغیر در سه گروه اصلی زیرساخت‌ها، نهادها و نهادهای تولید و با در نظر گرفتن دو بعد مقادیر عینی یا هزینه‌ها و شاخص‌های ذهنی یا احساس و درک در رابطه با جوانب فضای سرمایه‌گذاری در هر گروه است (جدول ۵). داده‌های مورد نیاز برای ساخت شاخص براساس مصاحبه‌های حضوری توسط بانک جهانی و در نمونه‌ای بالغ بر ۴۰۰۰ سرمایه‌گذار در صنعت و بنگاه خرده‌فروشی در ۱۶ ایالت هند گردآوری شده است. متغیرها پس از استاندارد شدن توسط تحلیل مؤلفه‌های اصلی در هر زیرگروه و در شاخص کلی وزن‌دهی و تجمیع شده‌اند. فرض ضمنی استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی برای وزن‌دهی این است که سرمایه‌گذاران به متغیرهایی که در بین ایالات هند تغییرپذیری زیادی دارند، بیشتر توجه می‌کنند.<sup>۳</sup>

اعتبار شاخص از طریق رابطه همبستگی بین ICI و نسبت سرمایه‌گذاری داخلی به GDP و درصد رشد GDP در ایالات بررسی می‌شود. روابط در سطح ۹۰ درصد تأیید می‌شوند، اما به دلیل کمبود داده بررسی رابطه علیت امکانپذیر نیست.<sup>۴</sup>

جهت یافتن پاسخ این سؤال که آیا عملکرد اقتصادی ایالات هند به کیفیت محیط سرمایه‌گذاری در آنها بستگی دارد ایالات از ۶ جهت دسته‌بندی شده‌اند:

- سطح توسعه (درآمد سرانه)،
- رشد (رشد درآمد سرانه)،
- اندازه بازار (سطح GDP)،
- آسانی محیط حقوقی (رتبه‌بندی گروه کسب‌وکار بانک جهانی)،
- جذب FDI (سطح FDI)،
- کیفیت زیرساخت‌ها (رتبه‌بندی شده توسط دولت هند در سال ۲۰۰۰).

1. Iarossi

2. Investment Climate Index

3. Giuseppe Iarossi, 2009, P. 2 & 6.

4. *Ibid*, p. 8.

مقایسه دسته‌بندی ایالات براساس شاخص‌های بالا با رتبه‌بندی ایالات برحسب شاخص ICI نشان می‌دهد:<sup>۱</sup>

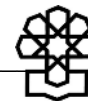
- کیفیت فضای سرمایه‌گذاری در ایالت توسعه‌یافته‌تر، بهتر است.
- ایالات با فضای سرمایه‌گذاری مساعدتر، رشد بالاتری دارند.
- ایالات با اندازه بازار بزرگ کیفیت تقریباً مشابهی در فضای سرمایه‌گذاری نسبت به ایالات با بازار کوچک‌تر دارند.
- رابطه‌ای بین فضای سرمایه‌گذاری با محیط حقوقی مشاهده نمی‌شود. این مسئله می‌تواند بیانگر شکافی بین قانون و محیط و زمینه‌ای که قوانین در آنها به کار می‌روند باشد.
- درحالی که اکثر مصاحبه‌شوندگان بنگاه‌های داخلی بوده‌اند ایالات با فضای سرمایه‌گذاری بهتر، FDI بیشتری جذب کرده‌اند.
- کیفیت زیرساخت‌ها تأثیر زیادی بر کیفیت فضای سرمایه‌گذاری دارد.

همچنین به‌منظور کسب شناخت بهتری از موانع و تنگناها در ایالات هند، شاخص ICI به زیرگروه‌ها و متغیرهای سازنده آن تفکیک شده و با سرمایه‌گذاری خصوصی نسبت به GDP و رشد GDP در ایالات مقایسه شده است. در میان زیرگروه‌ها مهمترین مانع سرمایه‌گذاری و رشد به ترتیب زیرساخت‌ها و نهادها و در میان زیرساخت‌ها، برق و حمل‌ونقل مهمترین عوامل محسوب می‌شوند همچنین در میان نهادها فساد، سرقت و مقررات مالیاتی مهمترین تنگناها بر سر راه رشد و توسعه بخش خصوصی در ایالات هند هستند.<sup>۲</sup>

---

1. *Ibid*, pp. 13-14.

2. *Ibid*, p. 17.



## جدول ۵. شاخص‌های فضای سرمایه‌گذاری در هند

زیرساخت‌ها	
داده استنباطی	هزینه
۱. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با برق	۱. ساعت قطع برق در سال گذشته
۲. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با تلفن	۲. ساعات قطع تلفن در سال گذشته
۳. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با حمل‌ونقل	۳. درصدی از فروش از دست رفته در حین حمل‌ونقل
۴. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با دسترسی به زمین	۴. درصدی از فروش از دست رفته به‌علت قطع برق
	۵. روزهایی که موجودی انبار برای نهاده اصلی نگهداشته شده (نماینده کیفیت حمل‌ونقل)
نهاده‌های تولید	
داده استنباطی	هزینه
۱. سهم بانکها از تأمین مالی کوتاه‌مدت	۱. نیروی کار مازاد
۲. سهم بانکها از تأمین مالی بلندمدت	۲. هزینه اعتبار (ارزش وثیقه مورد اعتماد برای کسب وام)
۳. تأمین مالی کوتاه‌مدت به نمایندگی از تأمین مالی دادوستد	۳. نزدیکی به مواد خام (سهم خرید نهاده‌ها از منابع داخلی)
۴. مدت زمان وام	۴. نزدیکی به مشتریان داخلی و محلی
۵. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با تأمین سرمایه	۵. سهم بنگاه‌های استفاده‌کننده از تکنولوژی جدید
۶. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با قوانین کار	۶. اعتبار تجاری: سهم فروشی که به‌واسطه اعتبار فروخته شده
۷. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با گمرک	۷. اعتبار تجاری: سهم خرید نهاده‌ها به‌واسطه اعتبار
۸. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با میزان دسترسی به مهارت‌ها	
نهاده‌ها	
داده استنباطی	هزینه
۱. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با قانون و رویه‌ها: جرم	۱. نظم و قانون: هزینه امنیت
۲. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با فساد	۲. نظم و قانون: خسارات ناشی از سرقت
۳. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با مجوز	۳. زمان صرف شده توسط مدیر برای پرداختن به قوانین و مقررات دولتی
۴. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با اداره امور مالیات: نرخ‌ها	۴. روزهای صرف شده توسط کارمندان برای قوانین و مقررات دولتی
۵. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با اداره امور مالیات: مدیریت و اجرا	۵. فرار مالیاتی (درصد فروش اظهار نشده)
۶. احساس مصاحبه‌شونده در رابطه با نظام قضایی	۶. زمان جهت کسب اتصال تلفنی
	۷. زمان جهت کسب اتصال برق
	۸. زمان جهت کسب اجازه ساخت
	۹. هزینه صرف شده برای پیش بردن کارها از طریق رشوه
	۱۰. سهم بنگاه‌هایی که هدیه‌های درخواستی اداری را گزارش می‌کنند
	۱۱. سهم بنگاه‌هایی که هدیه درخواستی برای به‌دست آوردن اتصال برق را گزارش می‌کنند
	۱۲. سهم بنگاه‌هایی که هدیه درخواستی برای به‌دست آوردن اتصال تلفن را گزارش می‌کنند
	۱۳. سهم بنگاه‌هایی که هدیه درخواستی برای به‌دست آوردن مجوز ساخت را گزارش می‌کنند
	۱۴. سهم بنگاه‌هایی که هدیه درخواستی برای به‌دست آوردن مجوز برای فعالیت‌های اصلی را گزارش می‌کنند
	۱۵. متوسط زمان برای دادرسی (هفته)

Source: Giuseppe Iarossi, 2009, pp. 3 & 4.

\* بین زمانی که مدیر به‌طور مستقیم درگیر ضوابط و مقررات نهادهای دولتی می‌شود و زمانی که سایر کارمندان بنگاه به‌دلیل پرداختن به مقررات دست‌وپاگیر از دست می‌دهند تفکیک صورت گرفته است.

## ۵. تجربیات ارزیابی محیط کسب‌وکار در آفریقا

بانک جهانی طی دهه اخیر مطالعات تحلیلی متعددی در رابطه با توسعه بخش خصوصی در کشورهای آفریقایی انجام داده است. این مطالعات در جهت شناسایی و رفع محدودیت‌های اصلی و کلیدی بر سر راه تولید، سرمایه‌گذاری و رشد در این کشورها صورت گرفته‌اند. نمونه‌ای از این مطالعات بررسی مقایسه‌ای چند کشور آفریقایی با استفاده از شاخص‌های کلیدی محیط کسب‌وکار در سال ۲۰۰۴ تحت عنوان «رقابت‌پذیری و توسعه بخش خصوصی در آفریقا رویکرد بین‌کشوری داده‌ای فضای سرمایه‌گذاری بانک جهانی» است. ابعاد مختلف محیط کسب‌وکار در هشت کشور آفریقایی (اریتره، اتیوپی، موزامبیک، نیجریه، اوگاندا، زامبیا، تانزانیا و کنیا) و چهار کشور به‌عنوان نقاط مرجع بین‌المللی (چین، هند، مراکش و بولیوی) از منظر شاخص‌های فرعی (جدول ۶) مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.<sup>۱</sup> عوامل تشکیل‌دهنده شاخص‌های فرعی در جدول ۷ آمده است. بخش عمده داده‌های به‌کار رفته در مطالعه از داده‌های پروژه ارزیابی فضای سرمایه‌گذاری بانک جهانی (شاخص‌های ICA) و برخی نیز از سایر منابع بانک جهانی مانند شاخص‌های انجام کسب‌وکار (DBE)، شاخص‌های توسعه انسانی و شاخص‌های حکمرانی استخراج شده‌اند. پروژه‌های ICA و DBE مستقیماً به ارزیابی محیط کسب‌وکار می‌پردازند. تعداد کشورهای مورد بررسی ICA نسبت به DBE محدودتر است، اما ابعاد گسترده‌تری از محیط کسب‌وکار را نسبت به DBE که تنها بر قوانین و مقررات کسب‌وکار تمرکز دارد دربرمی‌گیرد. داده‌های پروژه ICA با نظرسنجی از بنگاه‌های داخلی هر کشور از طریق پرسشنامه در رابطه با موانع و چالش‌های مهم کسب‌وکار گردآوری می‌شود.<sup>۲</sup> داده‌های DBE عمدتاً مبتنی بر نظرات حقوقدانان و کارشناسان است. نحوه محاسبه امتیازات جدول ۶ بدین ترتیب است که کشورها از نظر ابعاد مختلف محیط کسب‌وکار رتبه‌بندی شده و سپس رتبه نسبی در مقیاس ۰ تا ۱ قرار می‌گیرد. صفر، نشان‌دهنده بهترین وضعیت و ۱ بهترین حالت است.<sup>۳</sup>

1. Benn Eifert & Vijaya Ramachandran, 2004, P. 3.

۲. به‌عنوان نمونه ارزیابی فضای سرمایه‌گذاری در زامبیا در سال ۲۰۰۲ با نمونه‌ای بالغ بر ۲۰۰ بنگاه تولیدی و خدماتی کوچک و بزرگ در مناطق مختلف کشور انجام شده است (World Bank, 2004).

۳. همان، صص ۵۲ و ۵۷.



جدول ۶. امتیازات ابعاد مختلف محیط کسب و کار در کشورهای مختلف

کشور	ثبات اقتصاد کلان	تأمین مالی	ساختار بازار	زیرساخت	مهارت نیروی کار	گمرک	مقررات نیروی کار	مقررات کسب و کار	حکمرانی	میانگین
اریتره	۰/۱۸	۰/۴۸	۰/۳	۰/۲۸	۰/۲۷	۰/۵۵	-	۰/۵	۰/۵۷	۰/۳۹
اتیوپی	۰/۶۱	۰/۶۸	۰/۵۸	۰/۳۵	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۹۰	۰/۳۴	۰/۴۷	۰/۴۸
کنیا	۰/۴۹	۰/۵۵	۰/۳۱	۰/۳۷	۰/۵۸	۰/۳۲	۱/۰۰	۰/۳۹	۰/۲۵	۰/۴۷
موزامبیک	۰/۲۳	۰/۰۸	۰/۳۴	۰/۴۱	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۳۶	۰/۳۱	۰/۴۱	۰/۲۷
نیجریه	۰/۲۳	۰/۱۰	۰/۴۰	۰/۴۱	۰/۴۸	۰/۰۵	۰/۴۹	۰/۳۷	۰/۲۲	۰/۳۱
اوگاندا	۰/۴۵	۰/۲۴	۰/۵۹	۰/۴۵	۰/۵۸	۰/۶۸	۰/۳۰	۰/۷۴	۰/۳۰	۰/۴۸
تانزانیا	۰/۵۵	۰/۴۹	۰/۶۱	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۲۳	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۵۸	۰/۴۴
زامبیا	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۳۱	۰/۴۷	۰/۳۹	۰/۷۳	۰/۳۷	۰/۵۳	۰/۲۸	۰/۳۶
چین	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۷۳	۱/۰۰	۰/۸۲	۰/۵۹	۰/۶	۰/۶۲	۰/۷۴	۰/۷۶
هند	۰/۶۵	۰/۹۲	۰/۵۸	۰/۶۱	۰/۸۲	۰/۴۱	۰/۲۵	۰/۵۸	۰/۹	۰/۶۳
مراکش	۰/۸۷	۰/۶۷	۰/۷۳	۰/۹۱	۰/۷۳	۱/۰۰	۰/۸۳	۰/۸	۰/۹۴	۰/۸۳
بولیوی	۰/۸۶	۰/۷	۰/۶۳	۰/۵۰	۰/۹۷	۰/۵۵	۰/۳۴	۰/۲۳	۰/۸۲	۰/۶۲

Source: Benn Eifert & Vijaya Ramachandran, 2004, p. 53.

طبق امتیازات جدول ۶ کشورهای مراکش، چین و هند در بسیاری گروه‌ها وضعیت بهتری نسبت به سایر کشورها دارند. میانگین امتیاز کشورهای آفریقایی بین ۰/۳ و ۰/۵ و در دسته دیگر (کشورهای مرجع بین‌المللی) بین ۰/۶ و ۰/۸ است. بنابراین اکثر کشورهای آفریقایی هنوز کمبودهای جدی در مقایسه با رقبای بین‌المللی خود دارند.

در حالی که شکافها در مسائل قانونی (گمرک و مقررات کسب و کار) به طور نسبی کمتر هستند، شکاف عظیمی در تأمین مالی، زیرساخت‌ها، مهارت نیروی کار، حکمرانی و ثبات اقتصاد کلان در میان کشورها مشاهده می‌شود. در برخی ابعاد محیط کسب و کار پیشرفت‌های کشورهای موزامبیک، اوگاندا و اریتره مشاهده می‌شود، اما برای رقابتی شدن بخش‌های تولیدی این کشورها گام‌های بزرگتری باید برداشته شود بسیاری از موانع بزرگتر از آن هستند که حتی در صورت تعهد دولت‌ها به انجام اصلاحات به سرعت برطرف شوند. بنابراین مطالعه بانک جهانی پیشنهاد می‌کند این کشورها با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بپردازند. همچنین مطالعات دقیق‌تر برای بررسی تأثیر ابعاد مختلف محیط کسب و کار بر بهره‌وری بنگاه‌ها انجام شوند.<sup>۱</sup>

۱. همان، صص ۵۲-۵۶.

جدول ۷. عوامل محیط کسب‌وکار در کشورهای مختلف

مؤلفه	شاخص فرعی	مؤلفه	شاخص فرعی
درصد هزینه‌های انرژی بنگاه	زیرساخت	تورم	ثبات اقتصاد کلان
درصد جاده آسفالت شده		نااطمینانی نرخ ارز	
خطوط تلفن ثابت و همراه به‌ازای هزار نفر		تغییر نرخ ارز اسمی نسبت به SDR	
آموزش ابتدایی	مهارت نیروی کار	نرخ بهره	تأمین مالی
آموزش راهنمایی		درصد بنگاه‌هایی که وام گرفتند	
آموزش دبیرستان		درصد بنگاه‌هایی که وام سرمایه گرفتند	
روزهای واردات	گمرک	درصد فروش در بازار انحصار چندجانبه	ساختار بازار
روزهای صادرات		درصد فروش بنگاه‌های با مالکیت دولتی	
درصد ابقای نیروی کار مازاد	مقررات	میانگین	مقررات کسب‌وکار
شاخص انعطاف‌پذیری نیروی کار	نیروی کار	روزهای بازرسی	
پرداخت‌های غیررسمی	حکمرانی	روزهای شروع کسب‌وکار	
هزینه امنیت یا هزینه جرائم		هزینه شروع کسب‌وکار	
میانگین شاخص حکمرانی بانک جهانی		روزهای حل اختلاف حقوقی	

Source: Ibid, 2004, p. 57.

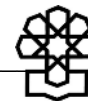
## ۶. تحلیل و مقایسه مطالعات محیط کسب‌وکار در کشورهای مورد بررسی

### ۱-۶. هدف از مطالعه و ارزیابی محیط کسب‌وکار

مطالعات محیط کسب‌وکار در کشورهای مورد بررسی با هدف افزایش رقابت داخلی و توسعه بخش خصوصی صورت گرفته‌اند. فراهم کردن اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جهت رشد و توسعه متوازن در کشور، توانمندسازی بخش خصوصی برای رقابت در عرصه بین‌المللی و ایجاد جذابیت محیط کسب‌وکار داخلی برای سرمایه‌گذاران خارجی از اهداف فرعی مطالعات بوده‌اند.

### ۲-۶. نهاد متولی ارزیابی محیط کسب‌وکار

بانک جهانی از دهه گذشته مطالعاتی را در حوزه محیط کسب‌وکار و توسعه بخش خصوصی آغاز کرده است. کارشناسان این نهاد بین‌المللی با انجام مطالعات مقایسه‌ای محیط کسب‌وکار در کشورهای توسعه‌یافته با تأکید بر آسیای شرقی به‌ویژه چین و کشورهای درحال توسعه راهکارهایی را در جهت افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشورهای جهان سوم ارائه می‌دهند. در کشورهای درحال گذار به سمت اقتصاد بازار مانند چین و آلمان (شرقی) نهادهای دولتی متولی اجرای سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار، ارزیابی آنها و فراهم نمودن منابع و



اطلاعات آماری مورد نیاز تحلیل و برنامه‌ریزی هستند. دسترسی به داده‌های آماری و یا شاخص‌ها در این زمینه، امکان مطالعات و ارزیابی محققان را نیز به همراه داشته است. در ایالات متحده غالباً مؤسسات خصوصی شاخص‌های محیط کسب‌وکار را تولید کرده و اطلاعات خود را به فروش می‌رسانند. در کنار رتبه‌بندی‌های مؤسسات خصوصی، ارزیابی برخی نهادهای دولتی نیز در سیاستگذاری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

### ۳-۶. روش تعیین مؤلفه‌های ملی کسب‌وکار

با توجه به گستردگی محیط کسب‌وکار، غالباً طیف وسیعی از متغیرها با توجه به مبانی نظری و شرایط خاص کشور مورد بررسی انتخاب شده و مورد آزمون قرار می‌گیرند تا عوامل مؤثر و میزان تأثیرگذاری آنها شناسایی شود. در صورت وجود پیشینه‌ای از آزمون‌ها و مطالعات اقتصادی (برای مثال در آمریکا)، مؤلفه‌ها طبق مطالعات گذشته انتخاب می‌شوند.

### ۴-۶. گردآوری داده‌ها

در برخی از کشورها آمارهای رسمی در سطح شهر، استان و کشور پوشش مناسبی از اطلاعات را فراهم می‌کنند. کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا و یا کشورهای باسابقه نظام برنامه‌ریزی مانند چین از آن جمله هستند. ارزیابی محیط کسب‌وکار در برخی از کشورهای درحال توسعه به دلیل کمبود اطلاعات و داده‌ها مستلزم انجام مطالعات پیمایشی و نظرسنجی از بنگاه‌هاست. علاوه بر دسترسی به اطلاعات، ماهیت متغیرهای مورد بررسی نیز در نحوه گردآوری داده‌ها مؤثرند. آمارهای رسمی کشورها برخی از متغیرهای ناظر بر کیفیت نهادها را دربر نمی‌گیرند. لذا در مطالعه آلمان شرقی ترکیبی از آمارهای رسمی و داده‌های پیمایشی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

### ۵-۶. روش تجزیه و تحلیل

انواع تحلیل‌های آماری و اقتصادسنجی به تناسب هدف مطالعه به‌کار گرفته شده‌اند. از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای رتبه‌بندی شهرها و ایالات و یا کاهش حجم داده‌ها، از تحلیل خوشه‌ای برای گروه‌بندی منطقه‌ای و از تحلیل رگرسیون برای شناسایی عوامل مؤثر بر محیط کسب‌وکار و یا تعیین میزان تأثیر هر عامل استفاده شده است.

### ۶-۶. مقاطع ارزیابی

در آمریکا محاسبه امتیاز شاخص‌های محیط کسب‌وکار به‌منظور بررسی تغییرات در طی زمان، سالیانه تکرار می‌شود. مطالعه چین (۲۰۰۶) نیز تکرار ارزیابی را به‌منظور پیگیری اصلاحات نهادهای دولتی، دو بار در سال پیشنهاد می‌کند.

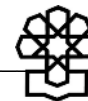
### ۶-۷. مقایسه مؤلفه‌های ملی محیط کسب‌وکار

در همه مطالعات طیف گسترده‌ای از عوامل در قالب شاخص‌های فرعی دسته‌بندی و مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. برخی از جامعیت بیشتری برخوردارند و یا به جزئیات بیشتری توجه کرده‌اند و برخی دیگر به‌صورت کلی‌تر به تعیین عوامل پرداخته‌اند. در کشورهای درحال توسعه موانع نهادی و زیرساخت‌های فیزیکی برجسته‌تر هستند، اما در کشورهای توسعه‌یافته مثل آمریکا انواع مالیات و هزینه‌های نیروی کار عمده مؤلفه‌های کسب‌وکار را تشکیل می‌دهند. در کشور بزرگی مثل چین تنوع جغرافیایی و منابع طبیعی نیز از جمله عوامل مهم محیط کسب‌وکار به شمار می‌آیند.

### ۶-۸. نتایج و دستاوردهای مطالعات

شاخص‌های محیط کسب‌وکار در آمریکا اصلاحات مفیدی برای ایالات در پی داشته‌اند. برای سیاست‌گذاری دقیق‌تر نیاز به تعمیق مطالعات در این زمینه و ساخت شاخص‌های منطقه‌ای و بخشی وجود دارد. مطالعه تأثیر سیاست‌ها بهبود محیط کسب‌وکار در آلمان شرقی نشان می‌دهد آن دسته از سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی که پس از اتحاد دو آلمان، از جانب کشورهای غربی و نهادهای بین‌المللی به آلمان شرقی تحمیل می‌شدند بهترین گزینه نبودند، بلکه حرکت به سمت اقتصاد بازار باید به تدریج و با تعامل بخش خصوصی و دولتی صورت گیرد. مطالعه هند موانع اصلی و کلیدی محیط کسب‌وکار ایالات را زیرساخت‌های فیزیکی و موانع نهادی ارزیابی می‌کند. مطالعه بانک جهانی در آفریقا اولویت هریک از کشورها را در اصلاح محیط کسب‌وکارشان تعیین می‌کند و از آنجا که غالب موانع اصلی کشورهای آفریقایی نیازمند برنامه اصلاحی بلندمدت هستند، ایجاد مناطق ویژه اقتصادی را به‌عنوان راهکاری کوتاه‌مدت در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معرفی می‌کند. مطالعات چین به برنامه‌ریزی در جهت رشد متوازن این کشور پهناور و شناسایی و اولویت‌بندی موانع سرمایه‌گذاری داخلی و جذب سرمایه خارجی کمک کرده‌اند.





## ۹-۶. نقد مطالعات بانک جهانی

ارزیابی‌ها در برخی کشورهای مورد بررسی در درون اقتصادها صورت گرفته و در بعضی دیگر یک نهاد خارجی مانند بانک جهانی به گردآوری داده‌ها و ارزیابی محیط کسب‌وکار پرداخته و توصیه‌های سیاستی به‌ویژه به کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهد. مطالعات سازمان‌های بین‌المللی با محدودیت‌ها و نقایصی مواجه است. به‌عنوان نمونه، ارونادا انتقاداتی را در رابطه با شاخص انجام کسب‌وکار بانک جهانی که برای بیش از ۱۸۰ کشور دنیا محاسبه و منتشر می‌شود، مطرح می‌کند. به عقیده وی این گزارش‌ها کشورها را از اصلاحات ساختاری غافل می‌کند و آنها را تحریک می‌کند تا با کاهش حجم قوانین و مقررات تنها به دنبال کاهش رتبه خود در عرصه بین‌المللی باشند. همچنین گاهی ساده‌سازی فرایندهای قانونی کارها را پیچیده‌تر می‌کند و باعث افزایش هزینه‌های بنگاه می‌شود. در برخی موارد نیز اعداد و امتیازات عوامل شاخص با واقعیت‌های اقتصادها همخوانی ندارد و عددسازی شده است.<sup>۱</sup>

### جمع‌بندی، نتایج و پیشنهادها

در این بررسی نمونه‌هایی از مطالعات در حوزه محیط کسب‌وکار کشورهای آمریکا، آلمان، چین، هند و برخی از کشورهای آمریکایی مرور شده و سپس به تحلیل و مقایسه آنها پرداخته شد. تجربیات این کشورها در ارزیابی محیط کسب‌وکار و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در جهت بهبود آن حاوی نکات ارزشمندی است که به تناسب شرایط کشور می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. برآیند مطالعات سه اصل زیر را نتیجه می‌دهد:

۱. لزوم استمرار مطالعات در طی زمان: کشورهای مورد بررسی با درجات متفاوتی از توسعه‌یافتگی به دنبال ارتقای محیط کسب‌وکار و افزایش توان رقابتی بخش خصوصی هستند. بنابراین مطالعه و ارزیابی محیط کسب‌وکار محدود به مقطعی از زمان و سطح خاصی از توسعه‌یافتگی نیست. مؤلفه‌های ملی محیط کسب‌وکار یک فهرست مشخص برای همه زمان‌ها نیستند و اهمیت نسبی آنها همراه با تحولات ساختاری و نهادی کشور در طی زمان تغییر می‌کند. لذا اصلاحات و برنامه‌ریزی برای بهبود محیط کسب‌وکار باید به‌صورت یک فرایند مستمر دنبال شود.

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، صص ۱۶ و ۱۷؛ همچنین رک: حجت دهقان بنادکوکوی و اصلان قودجانی، نقدی بر گزارش انجام کسب‌وکار جهانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات محیط کسب‌وکار، شماره مسلسل ۱۰۸۷۳، تیرماه ۱۳۹۰.

۲. ایجاد پایگاه داده‌های آماری: یکی از زیرساخت‌های مهم درخصوص ارزیابی محیط کسب‌وکار نظام آماری دقیق و جامع است. ایجاد نهادی که متولی گردآوری منظم داده‌ها و شاخص‌سازی در کشور باشد، امکان انجام مطالعات عمیق و علمی در این حوزه را فراهم می‌کند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آغازگر مطالعات سنجش و ارزیابی محیط کسب‌وکار داخلی بوده است، لکن برای دستیابی به نظام سنجش جامع و کارآمد باید تلاش‌های بیشتری صورت گیرد.

۳. بومی‌گرایی: با وجود نقاط مشترک فراوان در مطالعات محیط کسب‌وکار، تفاوت‌های ناشی از شرایط خاص کشورها (و یا حتی شهرها و ایالات) نیز مشهود است. ممکن است عدم توجه به بعضی ظرایف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بومی موجب ناکارآمدی قابل ملاحظه در مطالعات شود. این مسئله نیاز به توجه به ویژگی‌های بومی در مطالعات را روشن می‌کند. بنابراین اتکا به شاخص‌های بین‌المللی که مقیاسی یکسان بدون توجه به واقعیات درونی و خاص اقتصاد کشورها ارائه می‌دهند می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

۴. عدم اتکا به گزارش‌های بین‌المللی: شاخص‌های بین‌المللی علاوه بر بی‌توجهی به واقعیات درونی اقتصادها معایب و محدودیت‌های دیگری نیز دارند. مانند گزارش کسب‌وکار بانک جهانی که هدف کشورها را کاهش رتبه تعیین کرده و آنها را از اصلاحات ساختاری غافل می‌کند، برخی مؤلفه‌های مهم مانند ناامنی، بی‌ثباتی در مقررات، فساد، فرهنگ را اندازه نمی‌گیرد، کاهش هرچه بیشتر مقررات را توصیه کرده و حد بهینه قانون را معلوم نمی‌کند در حالی که کشورهای موفق، الزاماً کم‌قانون‌ترین کشورها نیستند. بعضاً بازی با اعداد و عددسازی است و به مقررات غیررسمی بی‌توجه است.



## منابع و مأخذ

۱. حسینی، سیدمحمدرضا. معرفی و ارزیابی شاخص‌های انجام کسب‌وکار، گزارش بنگاه و پایش محیط کسب‌وکار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات محیط کسب‌وکار، شماره مسلسل ۱۰۶۶۶، اسفندماه ۱۳۸۹.
2. Blume, Lorenz. Local Economic Policies As Determinants of the Local Business Climates: Empirical Results from a Cross-section Analysis Among East German Municipalities , Regional Studies, Vol. 40.4, 2006.
3. Dardia, Michael. Sherman Luk, rethinking the California business climate, public policy institute of California, 1999.
4. De cheng, FAN. PAN Xia, Appraisal Cluster Analysis On Regional Investment Climate of Mainland China, School of Management & Economy, Harbin Engineering University, 2007.
5. Eifert, Benn. Vijaya Ramachandran, Competitiveness and Private Sector Development in Africa: Cross-Country Evidence from the World Bank's Investment Climate Data, World Bank, 2004.
6. Iarossi, Giuseppe. The investment climate in 16 Indian states , working paper, World Bank, 2009.
7. World Bank; An Assessment of the investment climate in Zambia, Africa Private Sector Group, 2004.
8. World Bank; China, Governance , Investment Climate, and Harmonious Society: Competitiveness Enhancements for 120 Cities in China, Poverty Reduction and Economic Management, Financial and Private Sector Development Unit, East Asia and Pacific Region, 2006.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۱۰۸۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مروری بر تجربیات برخی کشورها در ارزیابی محیط کسب‌وکار

نام دفتر: مطالعات محیط کسب‌وکار

تهیه و تدوین: مریم احمدیان

ناظر علمی: سیدامیر سیاح

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: احمد مرکزالمیری

سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. محیط کسب‌وکار

۲. سرمایه‌گذاری

۳. توسعه

۴. ارزیابی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۷/۱۷